

پژوهشگر: شمسی واقف زاده

ماجراهای فدک

مقدمه:

ماجرای فدک و چه گونه گی تحصیل، تقویض و غضب آن از جمله مسائل مبهم در اذهان شیعه است که بر علما لازم و واجب است بیش از پیش به این مهم پرداخته و پرده از روی بسیاری از مطالب تاریک و گنگ این واقعه‌ی مهم تاریخی بردارند و این نکته را روشن سازند که دخت گرامی پیامبر (ص) که دست از دنیا شسته و قوت فرزندان روزه دار خود را سخاوت مندانه به نیازمندان می‌بخشاید چشم طمع به فدک نداشته، بلکه در سایه‌ی احقاق حقوق از کف رفته اش در پی افشای غضب خلافت از پسر عمش علی بود و در حقیقت این دو بزرگوار، فدک را دست‌آویزی برای آگاه ساختن امت قرار دادند. پژوهش حاضر نگاهی اگر چه کوتاه و گذرا به تاریخچه‌ی فدک و نحوه واگذاری آن به دخت پیامبر و مراحل غضب آن در طی تاریخ دارد.

“صاحبان فدک قبل از پیامبر”

“فدک” نام قریه یا قریه‌هایی است که در اطراف مدینه که با این شهر حدود دو تا پانزده فرسخ فاصله داشت^۱ و دارای آب‌های جاری و نخل‌های خرمای بسیاری بود. درآمد سالیانه آن را به بیش از دوازده هزار دینار ذکر کرده‌اند.^۲

قسمتی از اراضی فدک برای کشاورزی آماده و حاصل خیز بود و بقیه آن به صورت باغستان‌های خرما درآمده بود.^۳ درختان خرمای آن را بعضی به اندازه درختان خرمای کوفه در قرن ششم هجری تخمین زده‌اند.^۴

مورخین می‌نویسند فدک تا سال هفتم هجری در دست یهودیان بود و از درآمد آن امرار معاش می‌کردند، اما در این سال بود که یهودیان قلعه‌ی خیبر، پیمان شکنی کردند و میان آنان و مسلمین جنگ در گرفت.

در ابتدای امر علی (ع) به علت چشم درد شدیدی که به آن مبتلا شده بود در جنگ شرکت نداشت.^۵ و با وجود آن که

مسلمانان چند روز قلعه را در محاصره خود داشتند اما از فتح آن عاجز بودند تا آن‌که به فرمان رسول خدا (ص) پرچم سپاه را به دست علی (ع) دادند. او درب قلعه‌ی خیبر را برکند و “مَرَحَب” خیبری را کشت و سرانجام خیبر فتح گردید.^۶

۱- فیومی، المصباح المنیر: ماده فدک. طریحی: مجمع البیان: ماده فدک. حموی: مجمع البلدان: ۴/۲۲۸.

۲- مجمع البلدان همان جا * چنانچه ارزش ریالی هر دینار در تاریخ ۱۲۸۲/۶/۲۰ حدود ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد ارزش ۱۲۰۰۰ دینار مبلغی در حدود ۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است. بنابراین درآمد سالیانه فدک حدود ۲۶/۰۰۰/۰۰۰ تومان به قیمت آن روز بوده است که رقمی بسیار شگفت‌انگیز و مهم است و این نشان می‌دهد که فدک نه یک باغچه، نه یک باغ و نه حتی یک مزرعه‌ی بزرگ بوده است. فدک سرزمینی بسیار آباد و ثروت مند و منبع درآمدی مهم برای خانواده گرامی پیامبر (ص) به شمار می‌رفته است. مخصوصاً اگر در نظر گرفته شود که خرما فقط یکی از محصولات متعدد کشاورزی این مکان بود، است. (مجله فردوسی)

۳- مجمع البلدان همان جا
۴- ابن ابی الحدید: شرح نهج ۱۲۶/۱۶ - سید بن طاووس: کشف المحجۃ/ ۹۹.
۵- طبری: تاریخ الرسل و الملوک ۳۷/۲
۶- عرتاریخ الرسل: ۲/۰۰۲

فردوسی - سال سوم - مرداد و شهریور ۱۳۸۱ شماری



مجموع قلعه های خیبر هفت قلعه بود که اکثر آن فتح شد و دو قلعه باقی ماند،^۷ اما چون یهودیان امان طلبیدند رسول خدا (ص) به آنان امان داد. یهودیان خیبر از قلعه خارج شدند و تمام املاک منقول و غیر منقول خود را به مسلمین واگذار کرده، راه مهاجرت به شام را در پیش گرفتند.

پس از این پیروزی یهودیانی که ساکن فدک بودند^۸ از ماجرا مطلع گشتند و رعب و ترس بر آنان مستولی گشت. آنان قبل از آن که حادثه ای پیش آید، در صدد چاره جویی بر آمدند.

در همین بین، مأمور پیامبر (ص) به فدک آمد و آنان را به اسلام دعوت کرد، یهودیان فدک، از پذیرفتن اسلام امتناع ورزیدند، ولی حاضر شدند با رسول خدا قبل از جنگ قرارداد صلح امضاء کنند، در این قرارداد مقرر شد نیمی از اراضی و باغستان های فدک متعلق به حضرتش باشد و نیمی دیگر متعلق به یهودیان مشروط بر این که محصول را آن ها جمع کنند و نیمی از حاصل به دست آمده را به رسول خدا تسلیم کند، و هرگاه مصلحت اسلام اقتضا نماید که رسول خدا (ص) از یهود به کلی خلع ید نماید، آنها فرمان برند و از این سر زمین خارج شوند و پیامبر هم مطابق نصف فدک که سهم آنان بود در هر کجا صلاح بداند خانه و زمین را در اختیار یهودیان قرار دهد.^۹

(شأن نزول آیه "قیء")

احتمال داشت، مسلمانان خود را در فدک و درآمد آن شریک بدانند و بگویند فدک را به اسلام داده اند نه به شخص رسول خدا، لذا خداوند برای جلوگیری از این احتمال آیه

شریفه (وَمَا آفَاءَ اللَّهِ...) را نازل فرمود با این مضمون که "آن چه را خداوند به پیامبر بهره داده و شما مسلمین برای آن زحمتی نگشیده، شمشیر و نیزه و تاخت و تازی به تار نبرده اید متعلق به رسول است و خداوند رسولانش را بر هر کس که بخواهد مسلط می فرماید و او بر همه چیز دانا است. آن چه که خدا از اموال کافران دبار به رسول خود غنیمت داد، متعلق به خدا و رسول و و پیشاوندان رسول الله است...".^{۱۰}

از آیه استنباط می شود که (قیء) یعنی (غنیمت) و این غنیمت منحصر در غنائم جنگی نمی باشد، بلکه گاهی به سبب رعب و ترسی که خدا در دل دشمن قرار می دهد، تسلیم می شود و یا مالی را به عنوان صلاح در اختیار رسول (ص) می گذارد.

در نتیجه غنائمی که از طریق جنگ و یا زور به دست می آید از آن تمامی مسلمین و آن چه با صلح به دست آید مخصوص رسول خدا است. و فدک همان گونه که ذکر شد از قسمت دوم است پس ملک شخصی رسول الله است و احدی از مسلمین در آن حقی ندارد.^{۱۱}

بر اساس همین قاعده فقهی بود که پیامبر (ص) درآمد فدک را خود می گرفت و هر طوری که می خواست مصرف می فرمود و هیچ گاه درآمد آن را به بیت المال واریز نمی کرد، این روش ادامه داشت تا زمانی که آیه شریفه (فَأْتِ الْفُقَرَاءَ حَقَّهُ)^{۱۲} نازل گشت، به این مضمون که "ای رسول خدا، نزدیکان و مسکینان و در راه مانده گان را از این مال که در دست تو است ادا کن که صله رحم و احسان به فقیران برای آنان که مشتاق لقای خداوند هستند بهترین کار است و هم آنان رستگار عالمند".

از این رو، رسول خدا (ص) فاطمه (س) را خواست و فدک را به او واگذار کرد. در کتاب (فدک نحلة النبی) آمده است که خداوند در عوض اموالی که مادرش خدیجه در راه خدا داده است، خواست به دختر خدیجه فدک را عطا کند تا جبران شود و یا شاید آن که فاطمه (س) محبوبه ی خدا بود خداوند خواست این مال را در اختیار او قرار دهد، و یا شاید به جهت آن که خدامی دانست بعد از

رسول خدا حق اولاد پیامبرش غصب می شود، خواست تا اولاد فاطمه (س) از نظر زندگی در سختی معیشت قرار نگیرند.^{۱۳}

از این تاریخ بود که فدک در اختیار فاطمه (س) قرار گرفت و ملک او شد و از دست رسول خدا (ص) خارج گردید. زهرای اطهر عمال خود را بر آن گماشت و درآمد فدک را هر سال می گرفت. به اعتقاد برخی از مورخین، رسول خدا (ص) سندی در این موضوع نوشت و به زهرا (س) داد^{۱۴} و از این تاریخ تا روزی که رسول خدا از دنیا رفت سه سال طول کشید یعنی مدت سه سال فدک ملک بلامنازع فاطمه (س) بود.



۷. ابن هشام: السیرة النبویة ۲/۳۵۲
 ۸. میان فدک و خیبر کم تر از یک روز راه بود.
 المصباح المنیر: ماده فدک، معجم البلدان، ماده فدک
 ۹. السیرة النبویة: همان جا
 ۱۰. حشر: آیات ۶ و ۷
 ۱۱. تاریخ الرسل و الملوک: ۱۴/۳. ابن اثیر: الکامل ۳/ ۲۲۱
 ۱۲. الروم: ۲۸/۳
 ۱۳. سید محمد حسن حائری قزوینی: فدک نحلة النبی: ص ۱۸
 ۱۴. سیوطی - الدر المنثور ۵/ ۲۷۲ - هیشمی: مجمع الزوائد ۷/ ۴۹. ذهبی: میزان الاعتدال ۲/ ۲۲۸. مجلسی: بحار الانوار ۸/ ۹۲

چون ابوبکر بر مسند خلافت تکیه زد و از مردم بیعت گرفت و با زور اسلحه و شمشیر از علی و اصحاب او نیز بیعت گرفت، در ظاهر کار تمام شد و اشکالی در امر خلافت به نظر نمی رسید، در این هنگام عمر به ابوبکر گفت: ما کار را تمام کردیم ولی یک خطر، حکومت ما را تهدید می کند و آن خطر این است که فدک در دست علی و زهرا علیهما السلام است. باید فدک از فاطمه (س) گرفته شود و به نفع بیت المال ضبط گردد. اما از آن جایی که ابوبکر به خوبی می دانست که فدک از آن زهرای اطهر (س) است لذا پس از مدتی نامه ای مبتنی بر تسلیم فدک به فاطمه (س) داد اما عمر با دیدن آن،

نامه را پاره کرد.^{۱۶} شاید غصب فدک برای رد گم کردن بود به این معنی که بحث در پیرامون فدک باعث ترک بحث در پیرامون خلافت شود و در حقیقت فدک روکشی بر قضیه خلافت بود، لذا فاطمه زهرا (س) در خطبه ی (فدکیه) هر جا مناسب دید موضوع خلافت حضرت علی را مطرح ساخت هم چون این مورد که فرمود: (شما از علی چه دیدید که او را ترک کردید و دیگری را به جای او انتخاب نمودید؟) شاهد بر این ادعا حدیثی است از امام موسی بن جعفر (ع) که وقتی هارون الرشید از آن حضرت راجع به فدک توضیح خواست و گفت می خواهم فدک را واگذار کنم، حدود آن را بیان کنید حضرت فرمودند: (حدی از فدک، عدن و حد دیگر آن سمرقند، حد دیگر آن آفریقا و حد دیگر آن سواحل دریای کشورهای الجزایر

و ارمنستان است). رنگ از

رخسار هارون پرید و گفت:

(پس تمام مملکت من فدک است؟)

حضرت فرمودند: (آری، فدک واقعی این

است).^{۱۷}

به این ترتیب غصب سرزمینی به نام فدک تغییر شکل داد و به یک مسئله ی اعتقادی تبدیل شد که در آن علی (ع) و فاطمه (س) به بیدار کردن مردم پرداختند و بسیاری از آن چه را که باید در روزهای غصب خلافت می فرمودند در سایه ی غصب فدک بیان کردند.

"غاصبین فدک"

تاریخچه ی تصاحب فدک را این گونه روایت کرده اند که بعد از ابوبکر فدک در دست عمر بود و چون نوبت به خلافت عثمان رسید آن را به مروان حکم بخشید.^{۱۸} بعد از عثمان، علی برای مدت حدود پنج سال زمامدار مسلمین گشت و اعتنایی به فدک ننمود.

بعد از علی (ع) معاویه فدک را تصاحب نمود و آن را سه قسمت نمود: ثلث آن را به مروان حکم و ثلث دیگر آن را به عمر بن عثمان و ثلث سومش را به پسرش یزید بخشید.^{۱۹} کار بر این منوال گذشت تا نوبت خلافت، به مروان حکم رسید او در زمان خلافتش تمامی فدک را تصاحب و آن گاه آن را به پسرش عبدالعزیز بخشید چون عبدالعزیز از دنیا رفت فدک به اولاد او به ارث رسید تا این که یکی از فرزندان او به نام عمر بن عبدالعزیز خلیفه گشت. او سهم الارث ورثه را از فدک درخواست نمود. بعضی به قیمت به او فروختند و برخی سهم خود را به او بخشیدند.

سرانجام فدک به تمامی متعلق به عمر بن عبدالعزیز شد. او در نامه ای که به عمر بن حزم، والی مدینه نوشت دستور داد تا فدک را به اولاد فاطمه (س) برگرداند. با این عمل بنی امیه زبان به اعتراض گشودند و گفتند: (تو با این روش شیخین را تخطئه کردی و به مردم فهماندی که آن ها اشتباه کرده اند). عمر برای پیش گیری از ایجاد فتنه گفت: "فدک سهم الارث من است و چون رسول خدا فرموده است: "فاطمه پاره تن من است هر کس او را خشمگین کند مرا خشمگین نموده و هر کس او را آخشنود کند مرا آخشنود

کرده" من

خواستم فدک را که مال

شخصی خودم است را به

اولاد فاطمه (س) بدهم تا زهرا

را خوشحال کرده باشم." مردم

وقتی استدلال او را شنیدند گفتند: "پس

درآمد فدک را بین اولاد او تقسیم کن نه اصل

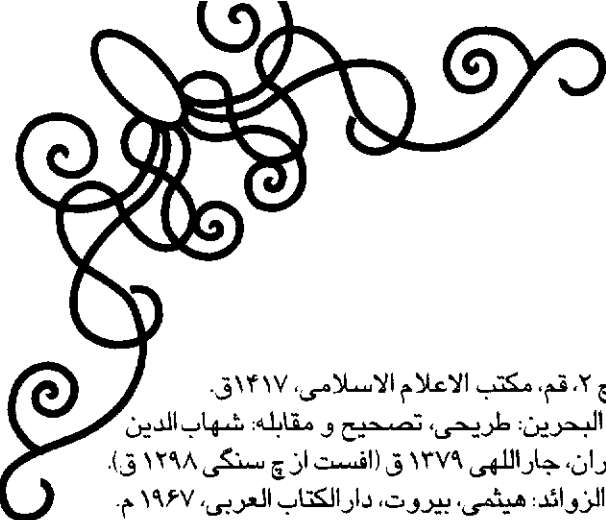
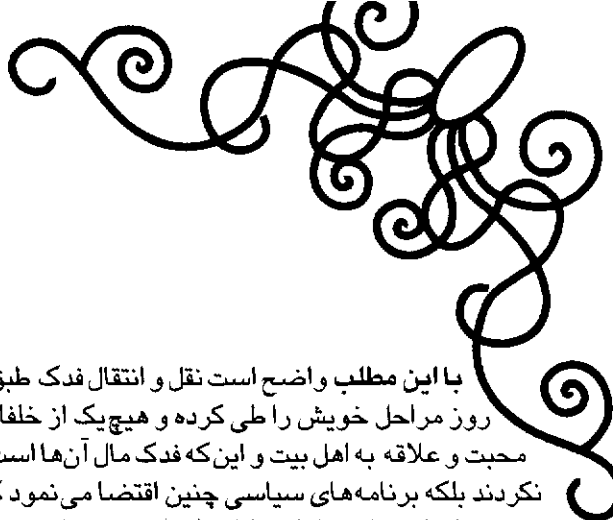
آن را تا هم تو ثواب ببری و هم عمل خلفا غلط

انگاشته نشود."^{۲۰} و عمر از ترس مردم چنین

کرد.

بعد از مرگ عمر بن عبدالعزیز نوبت به خلافت یزید بن عبدالملک رسید. او درآمد فدک را ضبط نمود و دست اولاد فاطمه (س) را کوتاه ساخت و کار بر همین منوال بود تا انقراض خلافت بنی مروان. چون خلافت به بنی عباس رسید، ابوالعباس سفاح، اولین خلیفه ی عباسی فدک را به عبدالله بن حسن ابن حسن بن علی بن ابی طالب واگذاشت، ولی بعد از مرگ سفاح برادرش منصور دوانیقی فدک را ضبط نمود. پس از منصور پسرش مهدی خلیفه شد. او فدک را به اولاد فاطمه داد ولی بعد از او پسرش موسی که برادر هارون الرشید بود فدک را ضبط کرد. فدک در دست بنی عباس بود تا نوبت به مأمون رسید، مأمون به والی مدینه قثم بن جعفر نوشت که فدک را به اولاد فاطمه برگرداند. چون نوبت به خلافت متوکل رسید فدک را گرفت و تا آخر حکومت بنی عباس فدک در دست آن ها بود.^{۲۱}

۱۵. سید محمد تقی نقوی: سوگنامه فدک، ۱۷۱، ۱۷۶.
 ۱۶. کلینی: الاصول من الکافی ۵۴۳/۱، مجلسی: بحار الانوار ۱۵۶/۴۸
 ۱۷. کلینی: همان جا. مجلسی: همان جا. بحرانی: البرهان ۴۷۲
 ۱۸. بیهقی: السنن الکبری، ۱۳۷/۶
 ۱۹. ابن طاووس: الطرئف، ۲۵۲
 ۲۰. ابن ابی الحدید: شرح النهج ۲۷۸/۱۶ - شیخ طوسی: تلخیص الشافی ۲۰۱۲/۲. امینی: الغدیر ۱۹۷، ۹۰
 ۲۱. امینی: الغدیر، ۱۹۷، ۱۹۰



با این مطلب واضح است نقل و انتقال فدک طبق سیاست روز مراحل خویش را طی کرده و هیچ یک از خلفا بر اساس محبت و علاقه به اهل بیت و این که فدک مال آنهاست آن را رد نکردند بلکه برنامه های سیاسی چنین اقتضا می نمود که فدک را در برهه ای از زمان به اولاد فاطمه (س) مسترد دارند. هدف اصلی از این گزارش معرفی (فدک)، حدود و ثغور آن و نیز تعریف کلمه (فیء) و شرح آیه مربوط به آن می باشد. هم چنین در این مقاله به اثبات این که (فدک)، "فیء" بوده و از اموال شخصی پیامبر (ص) محسوب می شده و نیز به علل و عوامل غصب آن پرداخته شده است.

الحسون، چ ۲، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
 ۱۵. مجمع البحرين: طریحی، تصحیح و مقابله: شهاب الدین النجفی، تهران، جلالیه ۱۳۷۹ ق (افست از چ سنگی ۱۳۹۸ ق).
 ۱۶. مجمع الزوائد: هیثمی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۶۷ م.
 ۱۷. المصباح المنیر: فیومی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۸ ق.
 ۱۸. معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت دارالحياء التراث العربی، ۱۳۹۹ ق.
 ۱۹. میزان الاعتدال: ذهبی، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.

مصادر و مراجع

۱. الاصول من الکافی، کلینی، تحقیق استاد علی اکبر غفاری، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹ ق.
۲. بحار الانوار: محمد باقر مجلسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۳۶۲ ش.
۳. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، بیروت، مؤسسه العبثه، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.
۴. تاریخ الرسل و الملوک، طبری، بیروت، دارسویدان، بی تا.
۵. تلخیص الشافی، شیخ طوسی، نجف مکتبه العلمین طوسی و بحر العلوم، ۱۳۸۳ ق.
۶. الدرر المنتشرة فی الأحادیث المشتهرة: سیوطی، بیروت، افست از چ مصر، ۱۳۱۴ ق.
۷. السنن الكبرى: بیهقی، دکن، مطبعة دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۵۵ ق.
۸. سوگنامه فدک: سید محمد نقی نقوی، قم، نشر الهادی، چ ۲، ۱۳۷۴ ش.
۹. السیرة النبویة: ابن هشام، چ مصطفی الحلبي، بی تا.
۱۰. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت دارالحياء التراث العربی، چ ۲، ۱۹۶۷ م.
۱۱. الطرائف: سید بن طاووس، قم مطبعة الخيام، ۱۴۰۰ ق.
۱۲. الغدير: علامه امینی.
۱۳. كشف الغمة: اربلی، مصصح: سید هاشم رسول محلاتی، بیروت دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق.
۱۴. كشف المحجة لثمره المهجة: سید بن طاووس، تحقیق محمد

جناب آقای علی رضا امینی

سر دبیر محترم مجله خانه و خانواده
 درگذشت شادروان عباس موحدی را به شما و خانواده
 محترم تسلیت گفته، بقای عمر همراه با سلامتی را
 برای شما و تمام بازمانده گان از خداوند سبحان
 آرزو مندیم.

مجله فردوسی

آقای تهمورث فقیه نصیری

همکار محترم، نویسنده و پژوهشگر عالی قدر،
 درگذشت مادر گرامی تان باعث تأسف ما شد.
 تسلیت صمیمانه ای ما را بپذیرید.

مجله فردوسی

فردوسی سال سوم مرداد و شهبان ۱۳۸۸